

حضور آیت اله صناعی،
مصاحبه شما با تلویزیون اسپانیا را شنیدم و واقعاً لذت بردم. وقتی می بینم که یک روحانی بلند پایه ایرانی از وحدت
انسانها صحبت می کند و دوگانگی یا چندگانگی بین مردم را مردود می داند بارقه امیدی در دلها پیدا می شود.

در این زمینه چند سؤال از شما دارم که امید است وقت و فرصت برای شما باشد که بنده را راهنمایی بفرمائید.
راجع به جمله شما «وحدت انسانها مسئله ای است که خداوند وعده آن را در قرآن به ما داده است و ما معتقدیم که روزی
خواهد آمد که دوگانگی یا چندگانگی میان انسانها از بین خواهد رفت.»

سؤال بنده این است: این برداشت شما به کدام یک از آیه های کلام الله مجید برمی گردد. مگر خداوند در قرآن نگفته
است:

سوره قریش آیه ۱: «برای ائتلاف قریش.»
سوره مائده آیه ۴۸: «برای هر گروهی از شما شریعت و روشی نهادیم.»
سوره انعام آیه ۹۲: «این کتابی است تا امّ القری و اطراف آن را بیم دهی.»
سوره ابراهیم آیه ۴: «هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم تا بتواند پیام خدا را برایشان بیان کند.»
سوره نحل آیه ۳۶: «به میان هر ملتی پیامبری مبعوث کردیم.»
سوره الشوری آیه ۷: «این قرآن را به زبان عربی بر تو وحی کردیم تا امّ القری و ساکنان اطرافش را بیم دهی.»
سوره مائده آیه ۵۱: «ای اهل ایمان، یهود و نصاری را به دوستی مگیرید، آنان بعضی دوستدار بعضی دیگرند، و هر
که از شما مؤمنان با آنها دوستی کند به حقیقت از آنها خواهد بود همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود.»
مائده آیه ۴۸: «ما برای هر قومی از شما شریعت و طریقه ای مقرر داشتیم، و اگر خدا می خواست همه شما را يك امت
می گردانید، و لیکن (این نکرد) تا شما را به احکامی که در کتاب خود به شما فرستاد بیازماید.»
سوره الحجرات آیه ۱۰: «جز این نیست که مؤمنان برادر هستند میان دو گروه از برادران را صلح بدهید، از خدا
بترسید ..»
و بالخره سوره الکافرون: «بگو ای کافران آنچه را شما می پرستید نمی پرستم و نه شما آنچه را که [من] می پرستم،
می پرستیدو. شما را دین خود، و مرا دین من.»

این آیات الهی همه دلالت بر محدود بودن کلام خداوند برای اعراب و جدا دانستن آنها از سایر ملل است.

و اما بیان شما نسبت به بیانی از آیت اله خمینی بدین مضمون «به جایی برسیم که همه اسلحه ها به قلم تبدیل شود و همه
مسائل از طریق گفتن و نوشتن حل و فصل شود.» ذکر این منبع می تواند به حل سؤال کمک کند چون از آیت اله خمینی
تا کنون چنین بیاناتی می شناختیم (ولایت فقیه ص ۱۳): «در صورتی که ائمه دین ما جندی (سرباز) بودند. سردار
بودند. جنگی بودند. در جنگهایی که شرحش را در تاریخ ملاحظه می فرمائید با لباس سربازی به جنگ می رفتند. آدم
می کشتند. کشته می دادند. امیر المؤمنین خود بر سر مبارک می گذاشت و زره بر تن می کرد و شمشیر حمایل داشت.
حضرت امام حسن (ع) و سید الشهداء چنین بودند. بعد هم فرصت ندادند و اگر نه حضرت باقر (ع) همینطور می بود.»
و در جواب سؤال راجع به زندانیان چنین فتوا می دهد: «در تمام موارد فوق هر کس در هر مرحله اگر بر سر نفاق
باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید. در مورد رسیدگی به وضع پرونده ها در هر صورت که
حکم سریع تر اجرا گردد همان مورد نظر است. امضا: روح اله خمینی.»

این دو مطلب از آیت اله خمینی با نقل قول شما از ایشان در تضاد آشکار است. خواهشمند است در این مسئله نظر خود
را بفرمائید.

حضرت آیت اله، شما بعنوان یکی از روشنترین مراجع تقلید معروف هستید. آیا بیانات شما در حوزه هم مورد تایید سایر
روحانیون هست یا نه؟ چون شما خود بهتر می دانید که همطرازان شما در تکفیر کردن همکاران خود ید طولائی دارند.
اگر نظر عمومی حوزه چنین باشد که شما فرموده اید جای بسی خوشبختی است.

ابو الفضل هفت تنی ۹ جون ۲۰۰۷

با رجای دعای خیر